



Transmission of the Necessity of Affection and Mercy in Natural Marital Bonds on Observing Hijab in Light of Verse 21, Surah Ar-Rum

Zehrasadat Mirhashemi¹ | Fatemeh Saeedi Babaqazi²

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.72.10.8

Abstract

Verse 21 of Surah Ar-Rum addresses the relationship between men and women. In this verse, the factors that strengthen the bond between men and women are identified as affection and mercy, which are inherently embedded in human creation. Islamic scholars, regarding this verse, have largely focused on men's and women's relationships within conventional marital bonds (zawjiyyat i'tibari), paying less attention to relationships in natural marital bonds (zawjiyyat takwini), which are inferred from this verse. Accordingly, the present study uses an analytical-descriptive method to explain the jurisprudential rulings of men's and women's relationships in natural marital bonds and their relation to verse 21 of Surah Ar-Rum. Based on textual analysis, the addressees of the verse are those in natural marital bonds, not conventional ones. However, the factor that leads to cohabitation and stability between men and women is conventional marital bonds, guided by the mutual obligations they hold toward each other. The interactions between men and women include numerous rulings such as avoiding improper gazes, seclusion, flirtatious speech, intermixing, and ensuring modesty and hijab. In the absence of modesty and hijab, inherent attractions between men and women emerge, leading to flirtatious speech, gazing, intermixing, and seclusion, which, due to innate human traits, generate affection and mercy. The philosophy behind these rulings is that failing to observe them results in affection and mercy between non-mahram men and women. Similarly, the philosophy of family formation stems from innate human disposition and instincts, along with the effects of affection and mercy. The reference in the verse regarding the separation of a rebellious spouse's bed aligns with this principle.

Keywords: Verse 21, Surah Ar-Rum; natural creation; men and women; conventional marital bond; natural marital bond; human disposition; affection and merc.

Research Paper

Received:
02 December 2024

Revised:
20 December 2024

Accepted:
23 September 2025

Published:
29 September 2025

P.P: 283-309

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.
2. Master's Student in Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Mirhashemi'Z & Saeedi Babaqazi'F.(2025). Transmission of the Necessity of Affection and Mercy in Natural Marital Bonds on Observing Hijab in Light of Verse 21, Surah Ar-Rum, The Women and Families Cultural-Educational, 20(72), 283–309.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

صص: ۲۸۳-۳۰۹

شابا چاپ: ۹۶۴۵-۴۹۵۵

الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



سرایت استلزام مودت و رحمت زوجیت تکوینی بر رعایت حجاب در پرتو آیه ۲۱ سوره روم

زهراسادات میرهاشمی^۱ | فاطمه سعیدی باباقاضی^۲

چکیده

آیه ۲۱ سوره روم به بیان روابط زن و مرد پرداخته است. در این آیه آن چیزی که قوام بخش روابط زن و مرد دانسته شده، مودت و رحمت است که در خلقت تکوینی برای انسان‌ها قرار داده شده است. دانشمندان علوم اسلامی ضمن آیه مذکور بیشتر به بیان روابط زن و مرد در زوجیت اعتباری پرداخته‌اند و توجه کمتری نسبت به روابط زن و مرد در زوجیت تکوینی مستنبط از آیه مذکور داشته‌اند. لذا پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به بیان احکام فقهی روابط زن و مرد در زوجیت تکوینی و ارتباط آن با آیه ۲۱ سوره روم پرداخته است. طبق بررسی‌های انجام شده و با بیان مفردات آیه مذکور، مخاطب آیه زوجیت تکوینی است نه اعتباری، اما عاملی که باعث وصول زن و مرد به سکونت است، زوجیت اعتباری در سایه تعهداتی است که زن و مرد نسبت به هم دارند. ارتباط زن و مرد احکام زیادی از جمله عدم نگاه، عدم خلوت، عدم طنازی کردن در سخن، عدم اختلاط و داشتن ستر و حجاب دارد. مادامی که ستر و حجاب وجود نداشته باشد، نیروی جاذب‌های بین زن و مرد شکل گرفته و منجر به طنازی کردن در سخن، نگاه، اختلاط و خلوت شده و به دلیل ویژگی‌های فطری، مودت و رحمت حاصل خواهد شد. فلسفه وجود این احکام به این دلیل است که عدم رعایت‌شان باعث ایجاد مودت و رحمت بین زن و مرد نامحرم خواهد شد. فلسفه تشکیل خانواده نیز به دلیل وجود فطرت و غریزه نهاده شده در خلقت انسان و تاثیر مودت و رحمت است. آنچه در آیه نشوز از جدا کردن بستر ناشزه نیز آمده است در راستای این مسئله است.

کلیدواژه‌ها: آیه ۲۱ سوره روم، خلقت تکوینی، زن و مرد، زوجیت اعتباری، زوجیت تکوینی، فطرت،

مودت و رحمت

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

z.mirhashemi@alzahra.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

استناد: میرهاشمی، زهراسادات؛ سعیدی باباقاضی، فاطمه. (۱۴۰۴). سرایت استلزام مودت و رحمت زوجیت تکوینی بر رعایت حجاب در پرتو آیه ۲۱ سوره روم؛ فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۲۰(۷۲)، ۲۸۳-۳۰۹.

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.72.10.8

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

یک از سنت‌های خداوند خلقت هر چیزی به صورت زوج است. این سنت اهمیت بسیاری دارد به طوری که خداوند در آیه ۲۱ سوره روم آن را نشانه‌هایی برای گروهی که اهل تفکر هستند بیان کرده است. انسان‌ها به دلیل فطرت و غریزه‌ای که در وجودشان نهاده شده به جنس مخالف گرایش دارند و مادامی که همسر خود را انتخاب نکنند آرامش خاطر نداشته و احساس ناقص بودن می‌کنند. از این رو آنها به دنبال تکامل و تامین نیازهای خود چه از لحاظ جنسی و چه از لحاظ روحی هستند. خداوند در آیه ۲۱ سوره روم مودت و رحمت بین زن و مرد را بیان کرده است. محبت و کششی که جنس مخالف ایجاد می‌کند قابل مقایسه با محبت همجنس نیست. از این رو یک فرد با اینکه مادر و پدرش محبت بیشتری نسبت به او دارند ولی او به دنبال محبت جنس مخالف و نامحرم است و درصدد تشکیل خانواده برمی‌آید. به دلیل این کشش و قدرت جاذبه‌ای که جنس مخالف دارد باید حد و حدودهایی رعایت شود تا سبب مختل شدن نظم اجتماعی نشود.

تفسیر کلی که وجود دارد این است که خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» همانا برای شما از جنس خودتان جفت آفرید. دو نظر در این باره وجود دارد: یکی این که مراد او از آدم، خلقت حوا از دنده است، دوم: منظور این است: برای شما انسانهایی مانند شما قرار داد و آنها را غیر از شما قرار نداد. «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» برای آن که با آن آسوده باشید و با یکدیگر راحت شوید (طبرسی، ۱۴۱۳: ۱۰) «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و برای شما پناه بردن به همسر و همچنین بین شما عاطفه و رحمت قرارداد. این به این دلیل است که همسران یکدیگر را دوست دارند و بدون هیچ گونه پیوند خویشاوندی بین آنها، دلسوزی نشان می‌دهند. «إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» آنچه از خلقت خود ذکر کرد نشانه‌هایی است برای قومی که می‌اندیشند. (الجوزی، ۱۴۲۲: ۴۲۰). پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته، به بررسی احکام فقهی روابط زن و مرد در زوجیت تکوینی و ارتباط آن با آیه ۲۱ سوره روم نپرداخته‌اند. لذا این زاویه‌ای است که مورد غفلت قرار گرفته است. آیه ۲۱ سوره روم به بیان ارتباط زن و مرد و رسیدن به آرامش در سایه مودت و رحمت پرداخته است. بر این اساس لازم و ضروری است که

به بررسی آیه ۲۱ سوره روم پرداخته شود و در پرتو این آیه به دلیل وجود مودت و رحمت بین همه زن‌ها و مرد‌ها احکام فقهی روابط زن و مرد در زوجیت تکوینی بیان شود. سوال پژوهش اعم از تعیین مصداق آیه در حوزه زوجیت اعتباری یا تکوینی و ارتباط احکام فقهی حوزه روابط زن و مرد با دلالت و محتوای آیه شریفه ۲۱ سوره روم می‌باشد.

پیشینه پژوهش

محمدرضا احمدی (۱۳۹۰) در کتاب خود با نام «روابط پسر و دختر» به بیان روابط دختر و پسر (ارتباط تلفنی، اطمینان به همدیگر و ...) احکام روابط (تلذذ، دختر رشید، رابطه نامشروع و ...) پرداخته است.

محمد علی رضایی اصفهانی، حمیده شور گشتی (۱۳۹۶) در مقاله ای تحت عنوان «تفسیر تطبیقی آیه ۲۱ سوره روم و رویکردهای آن» تفسیر آیه ۲۱ سوره روم، نگاه مفسران شیعه و اهل سنت نسبت به این آیه و زوجیت فکری- روحی را بیان کرده است.

سیده نرجس عمرانی، شهره روشنی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سبک زندگی اسلامی و تاثیر مودت و رحمت از دیدگاه قرآن در پایداری و اصلاح خانواده و جامعه با تاکید بر آیه ۲۱ سوره روم» به بیان سبک زندگی اسلامی در درون خانواده، رشد فرزندان در درون خانواده، عاطفه دینی و نقش آن در خانواده و شکل‌گیری جامعه سالم پرداخته است.

ساجده‌العبده‌الخانی (۱۴۰۰) مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به حقوق جنسی زوج به عنوان عامل تحقق صلح پژوهی از نظر فقهی» دارد که در آن به بیان مفهوم صلح، فلسفه ازدواج از منظر اسلام، مفهوم تمکین، تمکین از نظر فقهی، تمکین و استحکام روابط خانوادگی پرداخته است.

کوثر خسروی (۱۳۹۶) در مقاله «حقوق و مسئولیت‌های زنان در اساسی‌ترین عوامل درون خانوادگی استحکام خانواده» به بیان مفاهیم حق و تکلیف خانواده، تبیین اهمیت تعالی و استحکام خانواده از منظر قرآن، کارکردهای خانواده، عوامل موثر بر تحکیم خانواده پرداخته است.

ردیف	نویسنده / نویسندگان (سال پژوهش)	عنوان پژوهش	روش‌شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	محمدرضا احمدی (۱۳۹۰)	روابط پسر و دختر	توصیفی-تحلیلی	بیان روابط دختر و پسر(ارتباط تلفنی، اطمینان به همدیگر و ...) احکام روابط (تلاذ، دختر رشید، رابطه نامشروع و ...)
۲	محمد علی رضایی اصفهانی، حمیده شور گشتی (۱۳۹۶)	تفسیر تطبیقی آیه ۲۱ سوره روم و رویکردهای آن	نقلی-تحلیلی	تفسیر آیه ۲۱ سوره روم، نگاه مفسران شیعه و اهل سنت نسبت به این آیه و زوجیت فکری-روحی
۳	سیده نرجس عمران، شهره روشنی (۱۳۹۷)	سبک زندگی اسلامی و تاثیر مودت و رحمت از دیدگاه قرآن در پایداری و اصلاح خانواده و جامعه با تاکید بر آیه ۲۱ سوره روم	توصیفی-تحلیلی	بیان سبک زندگی اسلامی در درون خانواده، رشد فرزندان در درون خانواده، عاطفه دینی و نقش آن در خانواده و شکل‌گیری جامعه سالم
۴	ساجده العبد الخانی (۱۴۰۰)	نگاهی به حقوق جنسی زوج به عنوان عامل تحقق صلح پژوهی از نظر فقهی	توصیفی-تحلیلی	بیان مفهوم صلح، فلسفه ازدواج از منظر اسلام، مفهوم تمکین، تمکین از نظر فقهی، تمکین و استحکام روابط خانوادگی
۵	کوثر خسروی (۱۳۹۶)	حقوق و مسئولیت‌های زنان در اساسی‌ترین عوامل درون خانوادگی استحکام خانواده	کتابخانه‌ای	به بیان مفاهیم حق و تکلیف خانواده، تبیین اهمیت تعالی و استحکام خانواده از منظر قرآن، کارکردهای خانواده، عوامل موثر بر تحکیم خانواده

روش‌شناسی پژوهش

روش گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و روش تجزیه و تحلیل به صورت تحلیلی- توصیفی می‌باشد. به این دلیل که ابتدا باید به مطالعه کتاب‌ها در مورد مسئله حاضر پرداخته شود تا بتوان آن را تحلیل کرده و نتیجه مناسبی را کسب کرد.

مفهوم‌شناسی

زوجیت: از ریشه «زوج» و در لغت به معنای جفت و صنف می‌باشد و به هر دو قرین در حیوانات و غیر حیوانات مثل کفش، دمپایی و صندل زوج گفته می‌شود. همچنین هر چیزی که با دیگری قرین باشد، چه متضاد، مانند شب و روز و چه مشابه، زوج نامیده می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۸۴). بنابراین زوج به چیزی اطلاق می‌شود که دارای قرین است (ابن منظور، بی‌تا: ۲۹۰). ابن منظور معتقد است زوج، به صنف از هر چیزی گفته می‌شود (همان: ۲۹۳). زوجیت در اصطلاح فقهی دو نوع است:

زوجیت عام یا تکوینی (سرشتی): تکوینی از ریشه «ک و ن» در لغت مربوط به طبیعت و ساختار طبیعی شخص یا مادرزادی می‌باشد (معلوف، ۲۰۰۰: ۱۲۵۹). زوجیت تکوینی یا فطری در اصطلاح فقهی همان آفرینش به صورت زوج است یعنی یک مرد و یک زن. که همه موجودات زنده را در برمی‌گیرد مثل حیوانات و نباتات که به صورت نر و ماده هستند (ملکیان، ۱۳۷۳: ۶۶). در واقع این نوع زوجیت ناظر بر جنس تذکیر و تأنث است. منظور از زوج بودن، قرین هم بودن است. یعنی یک فردی با فرد دیگری مرتبط و از یک نوع و جنس باشند (ابن منظور، بی‌تا، ۲۹۰). پس هیچ یک از زن و مرد اراده و اختیاری در آن ندارد و خداوند آن را در فطرت انسان و نوع خاص آفرینش آن قرار داده است.

زوجیت خاص یا اعتباری یا قراردادی: قرارداد به معنای گره خوردن دو چیز به هم است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۷۷). زوجیت اعتباری به زوجیتی گفته می‌شود که با اعتبار عقد، قرار داد و تحت عنوان ایجاب و قبول شکل می‌گیرد. این نوع زوجیت با اراده و اختیار انسان همراه است و منجر به تولید مثل و استمرار نسل بشر می‌شود (علامه حلی، بی‌تا: ۴۹۸). زوجیت اعتباری، زن

و شوهر را شامل می‌شود که در قالب قرارداد نکاح هر یک وظایفی از جمله «پرداخت مهریه و نفقه، قبول ریاست شوهر و اطاعت از او» و ... را بر عهده می‌گیرند (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۱۳).

زوجیت در قرآن کریم: زوجیت در قرآن گاهی به معنای خاص آن، یعنی زوجیت اعتباری و گاهی به معنای عام آن یعنی زوجیت تکوینی یا سرشتی (ق: ۷/ شعر: ۷/ لقمان: ۱۰/ حج: ۵) به کار برده شده است. اهل لغت آیاتی را که دلالت بر معنای عام زوجیت دارند، معتقدند که به معنای نوع و صنف هستند و آیاتی که دلالت بر معنای خاص و اعتباری زوجیت دارند را به معنای قرین و همسر مرد پذیرفته‌اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۶/ طبرسی، ۱۳۸۸: ۴). هر جا از قرآن کریم نشانه‌هایی از الفت و حکمت‌های زوجیت چه در سرای باقی و چه در دنیای فانی وجود داشته باشد، واژه زوجیت استفاده شده است (روم، ۳۰: ۲۱/ فرقان، ۲۰: ۷۴/ زخرف، ۴۳: ۷۰/ یس، ۵۶: ۳۶/ بقره، ۲: ۲۵). زوجیت موجود در آیه ۲۱ سوره روم، عموم تانیث و تذکیر نیست بلکه بحث در مورد انسان است. **مودت:** مودت در لغت از ریشه «ود» به معنی دوست داشتن و عشق و محبت است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۷۵/ فراهیدی، بی تا: ۱۰۰) و در اصطلاح فقهی مانند عشق ظاهری می‌باشد و اثرش در مقام عمل ظاهر می‌گردد. نسبت محبت به عشق مثل نسبت تسلیم ظاهری است که تأثیر آن در مقام عمل، به تکریم است که نوعی تسلیم می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶۶). همچنین مودت یک عمل متقابل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۳).

رحمت: رحمت در لغت به معنای مهربانی و شفقت است که با واژه «مرحمه» مترادف است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴۹۸). در اصطلاح فقهی به معنای نوعی تأثیر روانی بر مشاهده محرومیت محرومان از کمال و نیاز او به رفع و از بین بردن کمبود و کاستی‌ها، دعوت خداوند رحمان به رهایی و نجات یافتن او از محرومیت و رفع نواقص و کاستی‌هاست. رحمت یک عمل ایثارگرانه و فداکارانه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۳). به گونه‌ای که ممکن است یکی از طرفین محبت نداشته باشد ولی دیگری سرشار از آن باشد.

مفهوم «انفسکم ازواجاً» و «مودت» و «رحمت» آیه ۲۱ سوره روم از نظر مفسران شیعه تفسیری که مفسران برای آیه ۲۱ سوره روم در مورد «انفسکم ازواجاً» و خلقت زن و مرد قائلند این است که خداوند متعال می‌فرماید: و از دلایل او خلقت او برای پدرت، آدم، از خود به عنوان همسری است که با او آرامش یابد و آن این است که حوا را از دنده ای از دنده‌های آدم

آفرید (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱ / طبرانی، ۲۰۰۸م، ۲۲۶). از دلالت بر توحید و قدرت او این است که از نطفه مردان نر و ماده آفریده است. تا نرها با ماده‌ها زندگی کنند و نطفه یکسانی داشته باشند، همانا در آن نشانه‌هایی است برای مردمی که در عظمت و قدرت خداوند می‌اندیشند (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۱۲۰).

در مورد «مودت» و «رحمت» موجود در آیه و آرامش بین زن و مرد، مفسران معتقدند که خداوند بین همسران مودت و رحمت قرار داد، چرا که هیچ چیز برای یکی محبوب‌تر از دیگری نیست طوری که گفته شود بین آنها رحمتی نیست، رحمت و محبت آنها تا آنجاست که به خاطر همسران خود از قبیله خود دست می‌کشند و برخی از زنان طایفه خود را به دلیل شوهران خود رها می‌کنند. از نشانه‌های توحید و قدرت او این است که زنانی از جنس شما را برای شما آفرید تا با آنها راحت باشید و آنها را از جن نساخت و بین شما مودت و رحمت قرار داد (همان). از آن جهت زن و مرد را از یک جنس آفرید تا در کنار هم به آرامش برسند. بین زن و شوهر محبت وجود دارد محبت زن به شوهر و رحمت مرد بر زنش. (دینوری، ۱۴۹، ۱۴۲۴). خداوند بین زوجین الفت قرار داد (عاملی، ۱۴۱۳، ۸۴۰).

رحمت در این آیه به معنی لطف است. (مبیدی، ۱۳۷۱: ۲۱۸). همچنین آفرینش و خلقت جهان هستی هدف دار است. زن و مرد بر یکدیگر برتری ندارند چون از یک جنس هستند و هر یک از زن و مرد باید به یکدیگر آرامش بدهند. مودت و رحمت امری جعلی است و خداوند آن را برای زن و مرد قرار داده است. بنا براین امر ارادی نیست بلکه در فطرت انسان نهادینه شده است. مودت و رحمت در کنار هم معنا پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر مودت بدون رحمت منجر به سرد شدن رابطه زن و مرد می‌شود و رحمت بدون مودت دوامی ندارد. فقط اهل تفکر هستند که نقش برجسته نکاح و ازدواج را می‌توانند درک کنند (قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۸۸). این رأفت و مهربانی بعد از اجرای صیغه عقد به وجود آمده و منجر به کشش و جاذبه زن و مرد به یکدیگر شده و به گونه‌ای است که هر یک از زن و مرد بیش از هر کس دیگری سود و منفعت را برای همسرش خواهان و از ضرر رسیدن به همسرش بیش از هر کس دیگری گریزان است (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱۵۱-۱۵۲). در تفسیر المیزان با اشاره به آیه مذکور آمده است که «ودود» از نام‌های خداوند متعال است و صیغه ای از «ود» به معنای محبت است، با این تفاوت که آنچه از مصادر استعمال آن به دست می‌آید این است که نوع خاصی از محبت است (طباطبایی، بیتا، ج ۱۰، ص ۲۷۴). همچنین خداوند

متعال زنان را آفرید و آنان را به آنچه لازم بود مجهز کرد و مردان را با آنان آسوده خاطر کرد و میان آنان محبت و رحمت قرار داد و زنان، مردان را با زیبایی و نازپروردگی و محبت و رحمت به سوی خود جذب کردند.

«ازواجاً» ناظر بر زوجیت تکوینی یا اعتباری

برخی «ازواجاً» را به صورت مطلق، زن و مرد تعبیر کرده‌اند (هواری، ۱۴۲۶: ۲۸۱). در این صورت هر زن و مردی را شامل می‌شود و اختصاص به زن و مردی ندارد که در قالب نکاح کنار هم دیگر باشند. عده‌ای هم معتقدند منظور از «أنفسکم» این است که خداوند انسان‌ها را از یک جنس آفریده است به گونه‌ای که هیچ یک از زن و مرد بر یکدیگر برتری ندارند. بنابراین مرد از جنس زن است و زن از جنس مرد است. عده‌ای معتقدند مراد از «أنفسکم ازواجاً» این است که خداوند متعال حوا را از دنده آدم آفرید (حوی، ۱۴۲۴: ۴۲۶۶/جمل، ۱۴۲۷: ۹۳). این قول ضعیف است، زیرا عبارت (برای شما از جنس خودتان جفت قرار داد) سخنی است با همه انسان‌ها، این حکم برای همه نر و ماده عمومیت دارد (رازی، بی تا، ج ۲۰، ص ۸۰). زن و مرد هر دو یکسان از «نفس واحده» آفریده شده‌اند نه اینکه زن فرع بر مرد یا طفیلی وجود مرد و یا قسمت و جزئی از او باشد، پس اولین زن متولد شده که همسر اولین مرد می‌باشد، از همان ذات و گوهر عینی آن مرد آفریده شده است، نه از گوهر و جنس دیگر و نه طفیل او. خداوند متعال اولین زن را از همان ذات و اصلی خلق کرده که همه زن‌ها و مردها را از همان ذات و اصل خلق کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴۴). انسان‌ها و همه موجودات به صورت جفت جفت آفریده شده‌اند. هر یک از زن و مرد دارای دستگاه تناسلی مختص به خود هستند ولی هر یک به تنهایی ناقص می‌باشند و به هم دیگر احتیاج دارند که این نیازمند بودن به صورت فطری است که با ترکیب آنها تولید مثل صورت می‌گیرد. این آفرینش به صورت جفت به این دلیل است که زندگی هر یک از آنها با جفت خود در محدوده محبت و رحمتی که خداوند متعال اراده کرده و بین همسران قرار داده است صورت گیرد (دروازه، ۱۴۲۱ق: ۴۴۰). همچنین هر ناقصی دنبال کمال خویش است و هر کمبودی به دنبال چیزی است که فقرش را از بین ببرد و این همان شهوتی است که در وجود هر یک از زن و مرد وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۶۶). پس اینکه بین ناقص و مکمل آن رابطه قوی و نیروی جاذبه

قوی وجود داشته باشد از بدیهیات است و همسر آدم که از جنس خود آدم بود خداوند افراد زیادی را از نسل ایشان به وجود آورد و در سراسر جهان پراکند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۲). همچنین انسان‌ها به هم شکل خود گرایش دارند پس هر زن و مردی به هم دیگر گرایش دارند و این گرایش اختصاص به زن و مردی نیست که قرارداد نکاح با یکدیگر دارند (خطیب، ۱۴۲۴: ۴۹۷/ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۶).

با توجه به تفاسیر مفسران که در ابتدا بیان شد، «ازواجاً» که در این آیه آمده است عمومیت دارد و منظور از آن، زوجیت تکوینی می‌باشد نه اعتباری که حتماً بین زوج و زوجه و با اعتبار نکاح باشد و خداوند با این اعتبار و قرارداد نکاح انس و مودت بین انسان‌ها قرار دهد بلکه شامل زن و مردی هم می‌شود که با یکدیگر پیوند زناشویی نداشته باشند (کاشانی، ۱۳۸۱: ۲۵۸/ بیضاوی، ۱۴۱۹: ۵۳۵).

مخاطب «کم» در کلمه «خَلَقَ لَكُمْ»، «أَنْفُسَكُمْ» و «بَيْنَكُمْ»

از آنجا که خداوند قرآن کریم را برای راهنمایی و هدایت بشر در همه زمان‌ها آفرید مخاطب آن همه انسان‌هاست. در این آیه مقصود از کم همان زن و مرد و زوجیت تکوینی می‌باشد. خداوند میان جنس زن و جنس مرد از باب خلقت تکوینی و فطری آنها مودت و رحمت قرار داده است و اختصاص به قرارداد نکاح ندارد. بنابراین هر زن و هر مرد مخاطب این آیه قرار می‌گیرند. و هر جایی که یک زن و یک مرد در کنار هم باشند به صورت خلقت تکوینی مودت، رحمت، کشش و جاذبه به وجود می‌آید. خداوند در این آیه فرموده‌اند که میان شما مهر و مهربانی قرار داده‌ام (ابوالفتح راضی، ۱۳۷۱: ۲۵۰) این اطلاق در کلام افاده عموم می‌کند و فقط به زوج و زوجه شامل نمی‌شود (کاشانی، ۱۳۸۱: ۲۸۵). در کتاب‌های کلامی اهل سنت و در کتاب‌های روایی شیعی نیز آمده است که مخاطب «کم» در کلمه «ببینکم» جنس و نوع افراد است و شامل هر زن و مرد شده و اختصاص به زوجیت اعتباری ندارد (پانی پتی، ۱۴۱۲: ۲۲۹/ شیر، ۱۴۰۷: ۸۳).

اختصاص «مودت» و «رحمت» به زوجیت تکوینی یا اعتباری

از آنجایی که ادامه یک رابطه به داشتن محبت و مهرورزی بستگی دارد در ادامه آیه می‌فرماید «و جعل بینکم موده و رحمه». عده‌ای معتقدند که مودت کنایه از «جماع» و رحمت کنایه از «ولد» است (ابن عجمیه: ۱۴۱۹: ۳۳۲/ حوی، ۱۴۲۴: ۴۲۶۶) هر یک از زوجین در جوانی و غلبه امیال، شریک زندگی خود را دوست دارند و در سنین پیری به او دلسوزی و رحم می‌کنند، حتی اگر نیاز

خودش باشد. محبتی که در آن حالت تجربه می‌شود از روی مودت نیست، بلکه از روی رحمت است این مودت و رحمت اختصاص به همسران ندارد چرا که زنان در جوانی به مردان و مردان به زنان بدون نکاح نیز گرایش دارند و آن‌ها را دوست می‌دارند و در هنگام پیری به همدیگر دلسوزی می‌کنند (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹: ۵۳۵). زن و مرد بعد از ازدواج که صاحب فرزند شدند در سایه این مودت و رحمت است که برای فرزندانشان دلسوزی کرده، آنها را پناه داده، غذا می‌دهند، لباس می‌پوشانند و ... همچنین مشابه این محبت و رحمت در میان افراد جامعه و اجتماع مدنی بزرگ دیده می‌شود، به طوریکه به همدیگر محبت می‌کنند و به مستضعفان و فقرا که ناتوان از انجام وظایف محوله هستند، رحم می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۱).

از آنجا که منظور از «ازواجاً» در این آیه زوجیت تکوینی می‌باشد، این مذکر و مؤنث چنانچه در کنار هم قرار بگیرند، مودت و رحمت بین آن‌ها قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که حتی جایی که یک زن و یک مرد همیشه در ارتباط هستند و قرار داد نکاح ندارند مودت و رحمت بین آنها شکل می‌گیرد. برخی در تفسیر مودت و رحمت آیه مذکور نیز به شکل‌گیری آن‌ها بدون هیچ‌آشنائیت سابق اشاره کرده‌اند (ابیاری، ۱۴۰۵: ۵۱۵/بشر، ۱۴۰۷: ۸۳). حتی روایتی در این باب نیز وجود دارد که شخصی پیش پیامبر می‌رود و می‌گوید در تعجبم که یک زن و مرد گرچه هیچ‌آشنائیتی با هم ندارند ولی به محض اینکه یک روز با هم مکالمه و گفت و گویی داشته باشند و پیش هم قرار گیرند بین آن‌ها مودتی شکل می‌گیرد که مودتی عظیم‌تر از آن نباشد (کاشانی، ۱۳۶۳: ۲۲۵). عده‌ای این کلام نبوی را مورد نکاح و زوجیت اعتباری می‌دانند (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۸۲/ابو الفتوح رازی، بی‌تا: ۲۵۰). شاید این روایت یا روایات دیگر در مورد این آیه ناظر بر زوجیت اعتباری باشند، اما منافاتی ندارد که مودت و رحمت در زوجیت تکوینی هم وجود داشته باشد. زیرا قرآن می‌تواند بطن‌های مختلفی داشته باشد. سوالی که از پیامبر (ص) یا سایر معصومین نسبت به این آیه پرسیده شده است، ناظر بر زوجیت اعتباری و «التسکون» بوده است که فقط در عقد نکاح وجود دارد، به همین دلیل پیامبر (ص) نیز به این آیه استشهد کرده‌اند. و گرنه چنانچه سوال در مورد اختلاط زنان و مردان نا محرم بود، معصومین به این آیه استناد کرده و عدم آن را اعلام می‌کردند.

«جَلَّ یَیْنُکُم» ناظر بر زوجیت تکوینی یا اعتباری

برای تبیین اینکه «جَلَّ یَیْنُکُم» موجود در آیه ناظر بر زوجیت تکوینی و سرشتی است یا اعتباری، ابتدا باید بیان شود که این «جعل» چه نوع جعلی است؟ ذاتی است یا جعل تکوینی که شارع مقدس به آن اعتبار بخشیده است؟

«جعل» یعنی قرار دادن و در اصطلاح علم اصول به معنای «ایجاد» می باشد که دو نوع است: **جعل ذاتی**: مراد از آن ایجاد شیء حقیقی در خارج است که به جعل بسیط نیز معروف است و مفاد «کان» تامه می باشد و به اسم و خبر در مورد شیء نیازی نیست. مثلاً «کان زید» یعنی تحقق زید که به صورت مستقیم جعل شده است.

جعل اعتباری: مراد از آن ایجاد شیء به صورت تنزیلی و اعتباری است که به جعل تالیفی و ترکیبی معروف است و مفاد «کان» ناقصه می باشد که به اسم و خبر در مورد شیء نیاز دارد. مثلاً «کان زید قائماً» یعنی زید ایستاده بود که اول زید تحقق یافته و سپس ایستادن در او به صورت اعتباری جعل شده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵: ۳۹۷).

به عبارتی دیگر وقتی می گوئیم زید یک شیر است، ذات شیر همان حیوان درنده خاص است. اما عرف شجاع را شیر می داند. پس زید یک شیر است و از نظر عرف از نظر شهابی که دارد مانند یک شیر واقعی مورد توجه عرف قرار می گیرد. شجاع بودن در ذات زید نیست بلکه ذات زید انسان بودن است یعنی جعل ذاتی و شجاع بودن جعلی است که بعداً برای زید به صورت تنزیلی و اعتباری قرار داده شده است. (المظفر، ۱۳۷۰: ۴۸).

«جعل» موجود در این آیه جعل ذاتی نیست بلکه جعلی است که خداوند بعد از آفرینش انسان مودت و رحمت را برای او اعتبار بخشیده است. از خود آیه نیز می توان این را فهمید چرا که در این آیه ابتدا کلمه «خَلَقَ» آمده است و سپس کلمه «جَعَلَ»؛ به این معنا که ابتدا خداوند زن و مرد را آفریده است و سپس مودت و رحمت را به صورت تنزیلی و اعتباری در آن ها جعل کرده است. ذات زن و مرد، انسان بودن است و مودت و رحمت بعداً در او جعل شده است.

طبق تفاسیر مختلف کلمه «بینکم» اشاره به نوع افراد یعنی یک مذکر و یک مؤنث دارد و فقط زن و شوهر را شامل نمی شود (محلی، ۱۴۱۶: ۴۰۹) چرا که حتی در صورت نبود مودت و رحمت بین افراد جامعه مشکلات ناگواری در روابط افراد آن جامعه به همراه خواهد داشت (مکارم

شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۲). برای همین است که حتی زن و مردی که با هم زوجیت به معنای پیوند زناشویی ندارند در صورتی که کنار همدیگر باشند و با هم گفت و گو نمایند، به مرور زمان محبتی بین آنها شکل می‌گیرد. چه بسا کارمندانی که زن و شوهر هم نیستند ولی چون دائم با هم هستند، به مرور زمان بین آنها محبت ایجاد می‌شود. در غالب موارد چنانچه آنها متاهل هم باشند به سستی روابطشان با همسر خود می‌انجامد. از این عبارت نیز فهمیده می‌شود که این مودت و رحمت یک امر تکوینی می‌باشد (کاشانی، ۱۳۸۱: ۲۸۵).

«لَسْكُنُوا إِلَيْهَا» ناظر بر زوجیت تکوینی یا اعتباری

زن و مرد هر یک به تنهایی ناقص هستند و هر ناقصی نیاز به یک مکمل دارد تا از فقر و کاستی گذر کند. لذا وقتی کامل شد به آرامش و سکون می‌رسد و این همان چیزی است که در فطرت همه انسان‌ها مستقر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۹۲). انسان‌ها از جنس هم هستند تا با قرار گرفتن در کنار هم به آرامش برسند و بر یکدیگر متمایل شوند و انس پیدا کنند (کاشانی، ۱۳۸۱: ۲۵۸). ازدواج دلیل بر امنیت جسم و روح است. تجارب قطعی نشان‌دهنده بروز مشکلاتی در جسم و روح در نتیجه ترک ازدواج بوده است. (مکارم شیرازی، ۱۴۳۲: ۱۳) به همین دلیل است که خداوند به ازدواج سفارش کرده تا در سایه آن زن و مرد به آرامش برسند. حتی می‌فرماید: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف: ۱۸۹).

حدیث «من تزوج أحرز نصف دینه» از پیامبر اکرم (ص) نیز در رابطه با همین فطرت و غریزه انسان است. از آنجایی که زن و مرد نسبت به هم گرایش دارند، ممکن است دچار خطا و گناه شوند.

مقصود شارع مقدس از این آرامش و سکینه، آرامشی است که نکاح در قالب شرع باشد چرا که روابط زن و مرد مادامی که در چهار چوب شریعت نباشد شاید در حلقه اول این گونه به نظر برسد که زن و مرد در آرامش به سر می‌برند، ولی به مرور زمان آنگاه که هوی و هوس بر عقل و منطق و اراده افراد غالب شد، منجر به استرس و اضطراب شده و با قرار گرفتن در موقعیت عاطفی و احساسی، وارد مشکلاتی از جمله: خصومت، خشونت و تهدید، شکاک بودن و بدگمانی نسبت به

هم، آسیب عاطفی- روانی و جسمی و جنسی، پشیمانی و سرخوردگی می‌شوند (جوانمرد، زینی حسن‌وند، سیف، ۱۴۰۱ ش، ش ۴۷: ص ۱-۳۲). پس زوجیت و رحمت و مودت با یکدیگر ارتباط دارند و در یک جهت هستند. یعنی زوجیتی که به صورت تکوینی و در قالب نکاح نباشد نیز مودت و رحمت به دنبال خواهد داشت؛ اما قطعاً زوجیتی که تحت تعهد نکاح نباشد، عامل سکونت نخواهد بود. این مودت و رحمت صرفاً از روی شهوت و میل نیست. زیرا اگر فقط میل و شهوت باشد زود از بین می‌رود اما چون این مودت و رحمت برای زوجیت اعتباری جعل شارع مقدس است باقی می‌ماند و به طمأنینه و سکینه منجر می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۹۲). از طرفی نیاز روح به آرامش به مراتب اهم از نیاز جنسی می‌باشد؛ در اثر زوجیت اعتباری، همسر شایسته در ناگواری‌ها و اتفاقات زندگی راه وصول به طمأنینه و آرامش را نزدیک تر می‌گرداند (روم، ۳۰: ۲۱/اعراف، ۷: ۱۸۹). بنابراین غرض قانونگذار از سکونت در این آیه، سکونتی است که در قالب زوجیت اعتباری باشد. این تعهدات و وظایف در زوجیت اعتباری است که با انجام آن‌ها توسط هر یک از زوجین باعث وصول به آرامش می‌شود. در غیر این صورت، یعنی عدم زوجیت اعتباری، سکونت وجود نخواهد داشت و نقض غرض می‌شود.

فلسفه و مبنای تشکیل خانواده و ادامه نسل بشر

انسان‌ها زمانی که از مادر متولد می‌شوند برخی کارها را به صورت آگاهانه و برخی دیگر را به صورت ناخودآگاه انجام می‌دهند. برای مثال کودکی که از مادر متولد می‌شود بدون اینکه اختیار و اراده‌ای از خود داشته باشد دنبال شیر مادرش می‌گردد. او این کار را بدون اینکه قبلاً آموخته باشد انجام می‌دهد. حیوانات نیز همین ویژگی را در درون خود دارند که از آن به غریزه تعبیر می‌شود. منظور از غریزه افعال و رفتاری پیچیده است که از راه ارث و بدون هیچ نوع آموزشی در همه جانداران وجود دارد (علی اکبر سیف، ۱۳۷۶: ۳۳۹). ازدواج یکی از ویژگی‌های فطری و غریزی انسان است که او را به سمت تکامل و تامین نیازهای خود سوق می‌دهد. هدف آدمی از ازدواج و برطرف کردن نیاز خود، در قدم اول ارضای حالات شهوانی خود است. گاهی می‌توان با استفاده از ریاضت و ترک خواسته‌های نفس و هوی و هوس جلوی این غریزه را گرفت. (هاشمی رکاوندی، ۱۳۷۰: ۲۰-۲۲). غریزه جنسی از همان آغاز بلوغ و در نوجوانی شکل می‌گیرد و

انسان را به سمت جنس مخالف می کشاند به طوری که رفتار، گفتار و اندام جنس مختلف جذابیت بیشتری را برای نوجوان به وجود می آورد. فلسفه وجود این غریزه و گرایش انسان به جنس مخالف نیز تشکیل خانواده و استمرار نسل بشر است (جوادی عاملی، ۱۳۷۱: ۳۷). اما اگر پاسخ دادن به این غریزه و ارضای شهوانی در چارچوب ازدواج نباشد، آسیب زیادی به اسلام و اخلاق و حتی خود فرد و جامعه وارد می شود (شرفی، ۱۳۷۲: ۱۸۳). انسان ها در همه دوران تاریخی حضور داشتند و این همان نشان دهنده تشکیل خانواده توسط زن و مرد است و آن ها هیچ موقع جدا از هم زندگی نمی کردند (ویل دورانت، ۱۹۳۵-۱۹۷۵: ۵۷). در قرآن کریم نیز آمده است که ازدواج باعث تولید مثل و بقای نسل می شود و از این جهت فرقی میان انسان و حیوان و گیاهان نیست (شوری، ۱۱: ۴۲). همچنین بیان شده که خداوند شما را از «نفس واحد» و جفتش را از همان جنس خلق کرده است و از آن دو مردان و زنان زیادی پراکنده کرده است (نساء، ۴: ۱) و از همسران آنان فرزندان و نوه هایی برای شما قرار داده است (نحل، ۱۶: ۷۲). بنابراین قرآن کریم بقای نسل و اجتماع مدنی را منوط به ازدواج می داند و برقراری رابطه جنسی در غیر چارچوب شرع و گرایش به لواط و زنا را ناپذیرنده ادامه نسل می شمارد (اسراء، ۳۲: ۱۷/ عنکبوت، ۲۹: ۲۹). زیرا با گسترش، شیوع و از بین رفتن قبح ذاتی راه های نامشروع، تمایل و رغبت به ازدواج کاهش یافته و تعهداتی در زندگی وجود نخواهد داشت و غرض بقای نسل و تولید مثل نقض خواهد شد و رنگ خواهد باخت (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۸۸).

ارتباط احکام فقهی روابط زن و مرد با مودت و رحمت تکوینی مورد آیه ۲۱ سوره روم

احکام زیادی ذیل عنوان روابط زن مرد در فقه و اسلام وجود دارد. امروزه دشمنان اسلام در صدد رفع و از بین بردن قبح بعضی مسائل در غالب روابط زن و مرد نامحرم هستند لذا قبل از بیان این احکام به دو نکته متذکر می شویم:

نکته اول اینکه احساس نیاز جنسی که به طور غریزی در وجود هر زن و مرد از ابتدای بلوغ هر فردی آشکار می شود و لذا هر فرد به دنبال رفع نیاز و ارضای نفس خویش می باشد. این نیاز بعد از بلوغ به گونه ای است که اندام و حرکات و حتی صدا و طرز حرف زدن زن و مرد آن ها را به سمت هم می کشاند و نوعی نیروی جاذبه را به وجود می آورد.

نکته دوم اینکه هر کسی که دارای اهداف و برنامه ریزی‌های مشخصی برای آینده خود داشته باشد در نظر همه انسان‌ها فردی قابل قبول و موفق می‌باشد. لذا هر جوانی باید مراقب انتخابات خود باشد و راهی را انتخاب کند که او را به سمت آرامش و امنیت خاطر برساند.

عدم نگاه

در همه کتاب‌های فقهی در باب نکاح آمده است اصل اساسی در نگاه زن و مرد نا محرم به یکدیگر حرام است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ۸۷ / منتظری، ۱۳، ۳۳۲ / سیفی، بیتا: ۴۵۷) مگر مواقعی که مستثنی شده است. یعنی زن و مرد مثلاً در صورتی می‌توانند به هم دیگر نگاه کنند که قصدشان ازدواج باشد نه هوی و هوس و تَلَذُّذ (اراکي، ۱۳۷۷ ش: ۱۲). در سوره نور هم به همین موضوع اشاره شده است: **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (نور: ۳۰).**

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»** «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند! این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را، جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نمایند» (نور، سوره ۲۴: آیه ۳۰-۳۱).

این حکم فقهی با آیه ۲۱ سوره روم در ارتباط است اینکه زن و مرد نباید به هم نگاه نکنند چرا که بر اساس آن غریزه‌ای که در ذات انسان هست آن‌ها را سمت هم می‌کشاند و چه بسا که منجر به روابط نامشروع می‌شود که به دنبال هوی و هوس می‌آید. مرد و زن نباید تن به خواری و ذلت داده و اسیر شهوت و هوس خویش شوند. اگر آن‌ها گوهر وجودی و ارزش ذاتی خود را بدانند خود را اسیر میل نفسانی نمی‌کنند. همچنین باید عفاف پیشه کرده و خود را در معرض خطر قرار ندهند. چرا که همین نگاه نکردن به نا محرم مهمترین و بزرگ ترین عامل بازدارنده از گناه است. (محمدي ری شهری، ۱۳۷۲: ۲۳۵).

عدم طنازی کردن در سخن

حکم فقهی طنازی کردن زن در سخن این است که چنین عملی حرام است. (خویی، بی‌تا: ۸۲). کسی که در دلش مرض دارد طمع دارد. عورت به معنای وجود دلایلی است که برای زن، از نظر صدا یا بدن، برای حمله یا تجاوز به او وجود داشته باشد. اسلام حجاب بینایی و نقاب شنوایی را بر او می‌گذارد تا او را از هر چیز بدی حفظ کند. (ساعدی، ۲۰۱۵: ۲۷۱ و ۲۷۲). در سوره احزاب آمده است که: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» «به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند تا بیمار دلی در شما طمع نکند، و به گونه‌ای شایسته و معمولی سخن بگویید.» (احزاب، سوره ۳۳: آیه ۳۲). بنا براین نباید آنگونه حرف بزنند که فرد نامحرم را به سمت خود بکشانند که خود و طرف مقابل را آلوده به گناه کنند.

زنان نباید در مقابل مردان صدای خود را لطیف و نازک کنند، (طبرانی، ۲۰۰۸: ۱۹۲) تا او را دچار خیال‌های شیطانی و ریه کرده و شهوتش را برانگیزانند (دینوری، ۱۴۲۴: ۱۷۶).

رابطه آیه ۲۱ سوره روم با این حکم فقهی این است که چون این آیه ناظر بر مودت و رحمت تکوینی دارد و مودت و رحمت با طنازی کردن در سخن هم به وجود می‌آید زن متدین باید از حرف زدن با صدایی که شنونده را آزار می‌دهد، پرهیز کند و آن را اصلاح و تلطیف کند. چنانکه خداوند متعال به او دستور داده است و می‌فرماید: «فَلَا تَعْطُلْنَ فِي الْقَوْلِ». همچنین مرد باید از شنیدن صدای زن جوان که مایه وسوسه است، چنانکه اشاره کرده است، خودداری کند. (نجفی، بی‌تا، ۹۸). بنابراین طبق دستور الهی زنان باید به گونه‌ای سخن بگویند که شرع و عرف اسلامی آن را قبول کرده و بپسندد (طوسی، بی‌تا: ۳۳۸). سخنی که فقط مقصود خود را به طرف مقابل برساند، نه اینکه آهنگ ناز و کرشمه را بر آن بیافزایند، که شهوت طرف مقابل را برانگیزانند.

عدم اختلاط

اختلاط به معنای مخلوط دو چیز یا بیش از دو چیز می‌باشد که یا می‌تواند بین آن‌ها جدایی اتفاق بیافتد و یا اینکه بین آن‌ها امکان جدایی نباشد (راغب، ۱۴۱۲: ۲۹۳).

در قرآن کریم سفارش شده که زن و مرد نا محرم با یکدیگر اختلاط نداشته باشند چون این کار باعث بروز فساد و بی‌عفتی می‌شود و پاکدامنی انسان را سلب می‌کند. (احزاب، سوره ۳۳: ۳۳).

آیه ۵۳). اما این به این معنا نیست که زنان نباید شاغل باشند و با مردان که همکار آنها محسوب می‌شود اختلاطی نداشته باشند، اسلام با کار کردن زنان هیچ مشکلی ندارد و حتی در آغاز اسلام نیز شاهد حضور زنان در عرصه کار و فعالیت بوده ایم. مثلاً می‌توان به اسما بنت مخرمه اشاره کرد که شغل عطر فروشی داشت و حضرت خدیجه (س) که مشغول تجارت خارجی بودند. این زنان ثروت زیادی را وارد کشور خود می‌کردند و حضور سازنده‌ای در مسائل اقتصادی داشتند (الصباغ، ۱۹۷۵: ۱۲۱-۱۲۳). با این حال بهتر است زنان در محیط کاری ای که مردان نامحرم در آن حضور دارند مشغول کار نباشند چون از مکر برخی مردان نمی‌توانند در امان باشند (السباعی، ۱۹۶۲: ۱۷۱-۱۵۳) همچنین نگاه به زنان و فتنه‌ی طنازی در صدا باعث ایجاد شهوت در مردان می‌باشد که منجر به از بین رفتن امنیت زنان می‌شود (السرخسی، ۱۴۲۴: ۱۸۵ / المودودی، بی‌تا: ۱۵۲).

اختلاط زنان با مردان به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱. یا اختلاط آنان از لحاظ شرعی منعی ندارد و **حلال** است. چنانچه شرایط و محیط کاری موافق با احکام اسلامی باشد و باعث ایجاد فساد و گناه نباشد از نظر اسلام کار کردن در چنین محیطی اشکال ندارد. لذا نمی‌توان گفت که منع شرعی وجود دارد (شمس‌الدین، ۱۹۹۵: ۸۶-۸۷).

۲. یا اختلاط آنان اشکال شرعی دارد و **حرام** است. در شرایطی که اختلاط مرد و زن مخالف موازین و احکام شرعی باشد، این اختلاط حرام است و منجر به ایجاد مفسده می‌شود. لذا کار کردن در چنین محیطی که مفسده در آن راه دارد حرام می‌باشد (ابن قدامه، ۱۹۹۲: ۲۲۴ / الموسوعه الفقیه، ۱۴۱۰: ۱۱۰). همچنین چنانچه در محیط کار اخلاق اسلامی و حجاب و عفاف موافق با احکام اسلامی و عدم ارتباط فیزیکی و شیوه حرف زدن با نامحرمات موافق اسلام نباشد، به دلیل اینکه امنیتی در چنین مکانی برای زنان وجود نخواهد داشت، از نظر اسلام منع شرعی دارد و حرام است.

داشتن ستر و حجاب

در آیه حجاب سفارش شده وقتی از آنان چیزی را می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید که این کار باعث پاکی دل شما و آنها می‌شود (احزاب، سوره ۳۳، آیه ۵۳). طبق این آیه مبارکه خواستن از پشت پرده به خاطر حفظ عفاف و پاکدامنی است که برای خود مردان و زنان مفید است. به

عبارتی دیگر منظور از ستر در این آیه با حجب و حیا بودن است نه پشت پرده ماندن زنان. چرا که اسلام با به صحنه آمدن زنان مخالف نیست و همان‌طور که گذشت حضرت خدیجه (س) یا اسما بنت مخرمه جزو زنانی بودند که در صحنه اقتصادی با حجاب و حیا کامل حضور سازنده داشتند (الصباغ، ۱۹۷۵: ۱۲۱-۱۲۳). اشتغال زنان از نظر اسلام نه تنها منعی ندارد بلکه بنسبت به آن سفارش نیز شده است (الحر العاملی، بیتا: ۲۳۶). عبارت «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» در آیه مذکور بیان‌کننده مصلحت حکم مزبور است. به این دلیل که وقتی از پشت پرده با زنان صحبت کنید، دل‌هایتان دچار ریب و وسوسه نمی‌شود و این رویه، باعث می‌شود که دل‌هایتان پاک‌تر نگه داشته شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۰۶) لذا در اسلام، اصل، جدایی زنان و مردان از یکدیگر در تعاملات اجتماعی است. به این دلیل که منجر به اختلاط میان آن‌ها نشود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳۲۹). در آیه جلایب نیز سفارش شده که زنان روسری‌های خود را بر سر کنند تا مورد آزار قرار نگیرند (احزاب، سوره ۳۳: آیه ۵۹). این آیه نیز موضوع اختلاط را در بر می‌گیرد چون بحث از رعایت حجاب و عدم آزار آنان از سوی برخی افراد نا اهل (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۹-۳۴۰) ارتباط زیاد و لا ینفکی با موضوع اختلاط دارد و به طریق اولی آن را شامل می‌شود. علاوه بر آیات در مورد عدم اختلاط زن و مرد نا محرم روایات زیادی نیز در این زمینه وجود دارد. من جمله:

محمّد بن شریح از امام صادق نقل می‌کند که در مورد بیرون رفتن زنان و شرکت آن‌ها در نمازهای عید قربان و عید فطر و نماز جمعه سوال کردم. امام گفت فقط پیر زنانی که کفش پوشیده باشند می‌توانند در نماز عید فطر و عید قربان شرکت کنند. (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۳۸). از آنجایی که این روایت به جایز نبودن حضور زنان در نمازهای عیدین و جمعه اشاره دارد معلوم می‌شود که به عدم جواز حضور آنان در محیط‌های شلوغ و مجامعی که پر ازدحام می‌باشد نیز اشاره دارد (خوئی، ۱۴۰۴: ۱۱۵).

در روایت دیگر امام علی (ع) می‌فرماید: زنان را در حجاب نگهدارید چرا که این کار برای خود آن‌ها بهتر است و آن‌ها را از آسیب دیدن نجات می‌دهد و حتی اگر می‌توانید طوری زندگی کنید که زنان آن جز شما مرد دیگری را شناسد، این کار را بکنید (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۳۸). از این روایت نیز بر می‌آید که زنان و مردان باید از یکدیگر جدا شوند.

در روایت دیگری نیز آمده است که امام علی (ع) خطاب به برخی مردان می‌فرماید آیا شرم و حیا ندارید و غیرتی در وجود شما نیست که اجازه می‌دهید زنانان اینگونه راهی بازارها و خیابان‌ها شوند و باعث ایجاد مزاحمت برای مردان باشند؟ (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۳۷).

در روایت دیگری نیز آمده است که خداوند افراد بی غیرت را نفرین می‌کند (برقی، ۱۳۷۰: ۱۱۵). بنابراین از این روایت نیز فهمیده می‌شود که بیرون رفتن زنان از خانه موجب اختلاط می‌شود و این اختلاط ناخودآگاه مودت و رحمت به دنبال خواهد داشت.

گرچه از این روایات و آیات این گونه بر می‌آید که جایی که اختلاط زن و مرد منجر به ایجاد فساد شود در اسلام نهی شده و اصل در نهی حرمت عمل است، اما طبق «کل شیء لک حلال» اختلاط زن و مرد نا محرم ذاتاً حرام نیست بلکه پیامدهایی که به دنبال دارد موجب حرام شدن آن می‌شود و با حفظ قوانین شرعی هیچ دلیلی وجود ندارد که بگوییم اختلاط زن و مرد حرام است. لذا برخی از فقها نیز معتقدند در محیطی که امکان حضور افراد دیگر نیز وجود دارد و در شرایطی که امنیت زنان به خطر نیفتد، اختلاط زن و مرد حلال است. (روحانی، ۱۴۲۰: ۳۳۳ / سیستمی، ۱۴۱۴: ۴۰۶ / نووی، ۲۰۱۰: ۴۸۴). بر اساس آیه جلایب که می‌فرماید: زنان روسری‌های خود را بر سر کنند، معلوم می‌شود که زنان در آن عصر نیز در جوامع حضور داشته‌اند و اسلام مخالفتی با حضور زنان در جوامع ندارد و گر نه تاکید این آیه بی معنی می‌شد. همچنین زمانی استناد کردن به روایت صحیح است که منظور امام نهی از مشارکت در نمازها باشد در غیر این صورت عدم وجوب نمازهای مذکور افاده می‌شود. در واقع سوال راوی در مورد وجوب این نمازها است و ربطی به اختلاط زن و مرد ندارد.

ارتباطی که آیه ۲۱ سوره روم با این حکم فقهی دارد این است که نداشتن حجاب و ستر بین آنها به دلیل غریزه و فطرتی که درون زن و مرد است موجب به وجود آمدن نیروی گرایش زن و مرد به هم شده و به مرور زمان منجر به طنازی در سخن، نگاه از روی هوس، اختلاط و در نتیجه خلوت آنان خواهد شد. همه این عوامل گام به گام انسان را در مسیر مودت و رحمت قرار خواهد داد و چه بسا ممکن است آنها را با مشکلات بسیار جدی روبه‌رو کند. جایی که زن حجاب نداشته باشد به دلیل اندام ظریفش در معرض شهوت مردان هوس باز قرار می‌گیرد. اختلاط و گفت‌وگو بین زن و مرد نامحرم که همسر دارند باعث بروز مشکلات در رابطه زن‌شویی آنها با

همسرانشان می‌شود به ویژه اگر این رابطه کلامی صمیمی و دوستانه باشد چون باعث می‌شود مودت و رحمت بین آن‌ها برقرار شود. چرا که زن یا مرد ممکن است صفات و رفتارهایی را ببینند که در همسران خودشان نباشد و ناخودآگاه به دلیل فطرت و غریزه خویش به فرد نامحرم جذب شوند (فضل الله، ۱۳۸۰ ش: ۶۲).

عدم خلوت

خلوت زن و مرد نامحرم در جایی که موجب برانگیختن شهوت و ریه می‌شود حرام است. جایی که این خلوت باعث ایجاد ریه و شهوت نباشد گرچه حرام نیست ولی باز بهتر است که خلوت نکنند (مظاهری، ۱۳۸۹ ش: ۳۸۶). به دلیل حرام بودن خلوت زن و مرد نامحرم پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «اگر زن و مرد نامحرم باهم خلوت کنند نفر سومی که در میان آنها وجود دارد شیطان است» (بروجردی، ۱۳۸۹: ۶۵۵). نهی از خلوت زن و مرد اجنبی و حرمت آن به دلیل وقوع فساد عمومیت دارد. یعنی فقط مربوط به زن و مرد جوان نمی‌شود بلکه عموم را در بر می‌گیرد (سیفی: ۴۴۰).

متون روایی بسیار وجود دارد که به عدم خلوت زن و مرد نامحرم دلالت دارد. مثلاً روایتی وجود دارد که نباید هیچ زنی با مرد نامحرم خلوت کند و هیچ زنی نباید به تنهایی به مسافرت برود مگر اینکه یکی از محرمان او در کنارش باشند (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۸ / مسلم، ۱۴۲۴: ۱۰۴ / قاضی نعمان مغربی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). همچنین روایت دیگری وجود دارد که شخصی به پیامبر (ص) گفت که همسرم برای حاجتی به حج رفت. پیامبر گفت همراه همسرت برو و حج را به جا بیاورید.

طبق این روایات و بررسی‌های انجام شده خلوت زن و مرد نامحرم حرام است و منجر به ایجاد فساد می‌شود بنابراین باید از جایی که باعث خلوت زن و مرد می‌شود پرهیز کرد. در واقع این دو روایت بیان می‌کنند که هرگاه کسی نتواند به خلوت زن و مرد نامحرم وارد شود و امکان ورود دیگران وجود نداشته باشد و بر این اساس زن مورد آزار قرار گیرد و امنیت او سلب شود، چنین خلوتی حرام است.

ارتباط آیه ۲۱ سوره روم با این حکم فقهی این است که طبق غریزه‌ای که در وجود زن و مرد است مادامی که زن و مردی با یکدیگر خلوت کنند و شخص دیگری در آن مکان نباشد مودت و رحمت به وجود می‌آید و مفسده به همراه خواهد داشت. چرا که بسیار مشاهده می‌کنیم حتی زن و

شوهری هم که با هم دعوا می‌کنند به دلیل اینکه در یک خانه و پیش هم هستند و خلوت دارند مودت و رحمت بین آنها ایجاد شده و بعد از گذشت مدتی بسیار کوتاه آشتی کرده و به حالت سابق بر می‌گردند چه رسد به زن و مرد نا محرم که در صورت خلوتشان شیطان آنها را وسوسه کرده و مودت و رحمت بین آنها شکل می‌گیرد که آثار زیان بار و مفسده‌های عظیم را در پی خواهد داشت.

فلسفه وجود احکام فقهی روابط زن و مرد

از آنجایی که احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند (فرحی، ۱۴۳۰: ۷۰۲ / سیفی، بیتا: ۲۷۵) اگر نهی مربوط به خود چیزی باشد اعم از عبادت یا معامله، مفاسد آن را آشکار می‌کند (فرحی، ۱۴۳۰: ۷۰۲). به این معنا که نهی بر اساس تبعیت احکام بر مصالح و ضررهای واقعی، مفسده‌ای را نسبت به آن آشکار می‌کند، خواه مفاسد دنیوی باشد یا اخروی (انصاری، ۱۴۱۵: ۵۸۴).

احکام و اعمال خداوند بالاتر و دقیق‌تر از آن چیزی است که ما تصور می‌کنیم و می‌فهمیم. موجودات مخلوق، هر قدر هم که علم‌شان بالا و گسترده باشد، توانایی درک جزئیات حکمرانی و مصالحی را که در پس آثار تکوینی و تشریعی اوست، ندارند (صدر، ۱۴۳۰: ۸۷). از آنجایی که امر ظهور در وجوب دارد و نفس امر مستلزم این است که کلام متوجه مأمور است. پس غافلان یا ناآگاهان باید نسبت به حکم یا موضوع به مصالح و مفاسد واقع‌بینانه پی ببرند و از بدی‌ها خودداری کنند و مصالح را انجام دهند (قزوینی، ۱۴۲۴: ۹۷). در این که شارع قصد دارد تکلیفی را که مستلزم هزینه و عسر و حرج است قرار دهد، جای مناقشه نیست، اما قصد عین عسر و حرج را ندارد، بلکه مصلحتی را که در آن است که بر عهده مکلف است، می‌خواهد. اگر عسر و حرج چیزی خارج از عرف باشد، به‌طوری که برای شخص، فساد دینی یا دنیوی را به همراه داشته باشد، شارع قصد دارد آن را به‌طور کلی کاهش دهد. وضع قوانین به نفع مردم است (مظاهری، ۱۳۹۷: ۸۷). با همه این بیانات معلوم می‌شود احکامی را که خداوند برای زن و مرد نا محرم قرار داده به دلیل وجود مصلحت و مفسده وجودی آنهاست یعنی اگر خداوند انسان‌ها را به انجام تکلیفی امر می‌کند به دلیل مصلحت ذاتی خود آن تکلیف است که در طول مصلحت خود مکلف نیز هست و وقتی از چیزی نهی و آن را حرام اعلام کرده به دلیل وجود مفسده در آن کار است. بنا براین وقتی

خداوند زن و مرد نامحرم را از نگاه به هم و خلوت و اختلاط و طنازی کردن در سخن منع می‌کند به این دلیل است که مصلحت زن و مرد در آن است و اگر به داشتن ستر و حجاب امر می‌کند به این دلیل است که در صورت انجام ندادن آن برای زن و مرد مفسده‌ای به همراه دارد و بنا بر آیه ۲۱ سوره روم عدم رعایت هر یک از این احکام به دلیل زوجیت تکوینی زن و مرد منجر به ایجاد مودت و رحمت بین آن‌ها شده و مفسده عظیمه‌ای را به دنبال خواهد داشت.

ارتباط آیه نشوز با آیه ۲۱ روم

در آیه نشوز نیز خداوند می‌فرماید: «الَّتَاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» (نساء، سوره ۴: آیه ۳۴). به این معنا که اگر زن از وظایف خویش سرپیچی کند طوری که حکم نشوز را بتوان به او صادر کرد، مرد در وحله اول فقط می‌تواند زن را موعظه کند. اگر موعظه نتیجه نداد در بستر به او پشت کند و اگر کار ساز نبود بستر خود را از او جدا کند. این هجر فقط دوری از همبستر شدن است و به این معنی نیست که مرد به خانه نرفته و به مکان دیگری برود. بلکه فقط به این معناست که در همان خانه خود، جامه خواب خویش را از زن جدا سازد و با او هم کلام نشود. البته صحبت نکردن نباید بیش از سه روز طول بکشد (مبیدی، ۱۳۷۱: ۴۹۳/۴۹۴ از مخشری، ۱۴۰۷: ۵۰۶). اگر مرد کلاً به خانه نیاید، در نتیجه چون در کنار هم نخواهند بود، مودت و رحمت شکل نگرفته و چه بسا زن بر نشوز خود اصرار ورزد. این آیه اشاره به همین مودت و رحمت آیه ۲۱ سوره روم دارد. یعنی اگر فقط در بستر به همسر خود پشت کند و در تخت زن را رها کند، (طبری، ۱۴۱۲: ۴۱) چون در یک مکان هستند این مودت و رحمت فطری در بین آن‌ها از بین نمی‌رود چه بسا زن و شوهرها زود قهر می‌کنند و پس از یک مدت کوتاه آشتی می‌کنند. این همان فلسفه وجود مودت و رحمت به طور فطری است و به دلیل وجود مودت و رحمت است که زن و مرد نامحرم باید حریم نگه دارند.

نتیجه‌گیری

با بررسی معنا و تفسیر آیه ۲۱ سوره روم این نتیجه حاصل شد که خداوند بین زنان و مردان مودت و رحمت قرار داده است. نکته‌ای که از مفردات آیه به دست آمده این است که این آیه و

مودت و رحمت موجود در آن اختصاص به زوجیت اعتباری ندارد بلکه منظور زوجیت تکوینی است چرا که حتی در بین زن و مردی که در طول مدت زمانی کنار هم هستند نیز مودت و رحمت مشاهده می‌شود. لیکن این مودت و رحمت زمانی موجب وصول به آرامش خواهد شد که همراه با زوجیت اعتباری باشو و نکاح شکل گیرد. جعلی که در آیه وجود دارد جعل ذاتی نیست بلکه جعلی است که شارع آن را بعداً به صورت تنزیلی اعتبار بخشیده است. فلسفه تشکیل خانواده و ادامه نسل بشر نیز به دلیل ویژگی‌های فطری و غریزی انسان است که او را به سمت تامین نیازهای خود و تکامل سوق می‌دهد. این فطرت انسان است که او را به دنبال محبت و عشق و مهرورزی از سوی جنس مخالف می‌کشاند. از آنجایی که مودت و رحمت خلقت تکوینی است برای جلوگیری از سوء استفاده از این خلقت تکوینی و همچنین برای جلوگیری از سوء اثرش یعنی اینکه از مسیر درست و صحیحش که الفت مودت و رحمت در بستر خانواده است خارج نشود و خلاف جهت پیش نرود، احکام زیادی وجود دارد. عدم نگاه، عدم طنازی کردن در سخن، عدم اختلاط که به دو نوع اختلال حلال و اختلاط حرام تقسیم می‌شود، عدم خلوت و داشتن ستر و حجاب احکامی هستند که با جلوگیری از این سوء استفاده و سوء اثر و خلاف جهت رفتن مودت و رحمتی که در نسل بشر برای استحکام خانواده و پیوند صحیح زن و مرد به ودیعه گذاشته شده است، ارتباط دارند.

از آنجایی که احکام دائر مدار مصالح و مفاسد واقعی هستند فلسفه وجود احکام بین زن و مرد نا محرم به دلیل همین مصلحت و مفسده است و مادامی که زن و مرد آن‌ها را رعایت نکنند هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی دچار مشکل خواهند شد و علاوه بر اینکه آرامش زندگی خود را از بین می‌برند نظم اجتماعی جامعه را نیز به مخاطره می‌اندازند.

فهرست منابع

- The Holy Quran. (in Persian)
- Abiari, Ibrahim (1405 AH), Al-Masua al-Qur'aniyah, vol. 10, Cairo, Sajal al-Arab Institute. (in Persian)
- Abu al-Futuh Razi, Hussein bin Ali (1992), Rawd al-Jinan wa Ruh al-Jinan fi tafsir al-Quran, vol. 15, Mashhad, Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation. (in Persian)
- Al-Araki, Grand Ayatollah Sheikh (1377), Kitab al-Nikah, Qom, Noor Negar. (in Persian)
- Al-Hurr Al-Amil, Sheikh Muhammad bin Al-Hasan (Beita), Shia Resources, Vol. 17, Qom, Al-Bayt (A.S.) Foundation for the Revival of Heritage. (in Persian)
- Al-Jawzi, Ali ibn Muhammad (1422 AH), Zad al-Masir fi ilm al-tafsir, volume 3, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi. (in Persian)
- Al-Modudi, Abul-Ali (Bita), Al-Hijab, first edition, Kuwait, Dar Al-Fikr al-Arabi. (in Persian)
- Al-Mohammadi al-Alari Shahri, Sheikh Muhammad (1372), Mizan al-Hikma, volume 12, Qom, School of Islamic Information. (in Persian)
- Al-Muzaffar, Sheikh Mohammad Reza (1991), Principles of Jurisprudence, Vol. 2, Qom, Publication Center of the Islamic Propaganda Office of the Qom Seminary. (in Persian)
- Al-Razi, Fakhraddin (Bita), Tafseer Al-Razi, Volume 20, Bija, Bina. (in Persian)
- Al-Sabaei, Mustafa (1962 AD), Al-Marah Bin Fiqh and Al-Qunun, first edition, Damascus, Al-Rasalah Institute. (in Persian)
- Al-Sabbagh, D. Leili (1975), Al-Marah fi al-Tarikh Al-Arabi, first edition, Damascus, Ministry of Culture and National Guidance. (in Persian)
- Al-Sarakhsi, Muhammad bin Ahmad (1324 AH), Al-Mabusut Fi Fiqh, first edition, Cairo, Al-Saada Publishing House. (in Persian)
- Ameli, Ali bin Hossein (1413 AH), al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, volume 2, Tehran, Dar al-Qur'an al-Karim. (in Persian)
- Ameli, Javadi (1992), Woman in the Mirror of Glory and Beauty, Tehran, Raja Chap Cultural Publishing Center. (in Persian)
- Amu (Bita), Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Volume 10, Bija, Ismaili Publications. (in Persian)
- Ansari, Abdullah bin Muhammad, Meybadi, Ahmad bin Muhammad (1992), Kashf al-Israr and Adda al-Ibrar, Volume 1, Tehran, Amir Kabir. (in Persian)
- Ansari, Muhammad Ali (1415 AH), Al-Muwasu'ah Al-Fiqhiyyah Al-Maysara, Volume 1, Qom, Majma'ul-Fikr Al-Islami. (in Persian)
- Baidawi, Abdullah Ibn Muhammad, Sheikhzadeh, Muhammad bin Mustafa (1419), the margin of Mohiuddin Sheikhzadeh Ali Tafsir Al-Qadi Baidawi, Volume 6, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Alamiya. (in Persian)
- Barqi, Ahmad bin Muhammad bin Khalid (1330), Al-Muhasin, Volume 1, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiyya. (in Persian)
- Boroujerdi, Seyyed Hassan (2010), Sources of Shiite Jurisprudence, Volume 25, Tehran, Farhang Sabz. (in Persian)
- Bukhari, Muhammad bin Ismail (1401), Sahih Bukhari, Volume 4, Istanbul, Dar Tabaa Al-Amera. (in Persian)
- Daruzeh, Muhammad Azzah (1421 AH), Al-Tafsir al-Hadith: Al-Surah Hasb al-Nuzul, Volume 5, Beirut, Dar al-Gharb al-Islami. (in Persian)
- Dinouri, Abdullah bin Muhammad (1424), Tafsir Ibn Wahb al-Masami al-Hashri in Tafsir al-Qur'an al-Karim, Volume 2, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya. (in Persian)

- Durant, Will (1935-1975), History of Civilization, Volume 1, Tehran, Scientific and Cultural Publications. (in Persian)
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Omar (1420 AH), Tafsir al-Kabir, Volume 25, Beirut, Dar Ihya al-Turahat al-Arab. (in Persian)
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (Bita), Al-Ain, Volume 8, Bija: Dar and Maktaba Al-Hilal. (in Persian)
- Farhi, Ali (1430 AH), Research on the Rules of Jurisprudence, Qom, Jama'ah al-Mudrasin fi al-Hawza al-Ilmiyah, Islamic Publishing Institute. (in Persian)
- Fazallah, Seyyed Mohammad Hossein (1380), jurisprudence of life, Qom, Darul Malak. (in Persian)
- Fazel Lankarani, Mohammad (1385), Eydah al-Kafayeh, vol. 2, 5th edition, Qom, Nouh. (in Persian)
- Hamo (1363), Tafsir summary of Manjh al-Sadeghin, volume 4, Tehran, Islamia. (in Persian)
- Hamo (1393 AH), Al-Mizan in the Interpretation of the Qur'an, Volumes 16, 4, and 13, Beirut, Al-Alamy Publishing House. (in Persian)
- Hamo (1432 AH), Anwar al-Fiqh in the Laws of the Pure Family (Makareem-Nikah), Vol. 1, Qom, Imam Ali ibn Abi Talib Publishing House. (in Persian)
- Hashemi Rakavandi, Seyed Mojtaba (1999), An Introduction to Women's Psychology, Tehran, Shafaq Publications. (in Persian)
- Hawari, Hud ibn Muhammad (1426 AH), Tafsir of the Book of Allah the Almighty, Vol. 3, Bija, Dar al-Basair. (in Persian)
- Hawi, Said (1424 AH), Al-Asas fi al-Tafseer, Vol. 8, Cairo, Dar al-Salam. (in Persian)
- Hemo (1382), Kitab al-Nikah, Volume 1, Qom, Imam Aliibn AbiTalib (AS) School Publishing House. (in Persian)
- Hemo (1421), Al-Muthal in the interpretation of the Book of Allah, the Home of the Home, Volume 13, First Edition, Qom, Imam Ali bin Abi Talib School Publishing House, Imam Ali bin Abi Talib School Publishing House. (in Persian)
- Hemo (1424), Kitab al-Nikah, Volume 2, Qom, Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School Publications. (in Persian)
- Hemo (2018), Proceedings of the Rules of Jurisprudence, Vol. 0, Isfahan, Al-Zahra Cultural and Studies Institute. (in Persian)
- Hilli, Allama (Hasan ibn Yusuf ibn Mutahar), (Beita), Shariah al-Islam, Bija, Bina. (in Persian)
- Hosseini Sistani, Seyyed Ali (1422), Al-Ibadat and Al-Mamailat, Masael al-Ettabeh, 9th edition, Qom, Ayatollah Sistani Office. (in Persian)
- Ibn Akhiba, Ahmad (1419 AH), Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid, Vol. 4, Cairo, Hasan Abbas Zaki. (in Persian)
- Ibn Faris, Abu al-Husayn (1399 AH), Dictionary of the Standards of Language, Volume 2, Beirut: Dar al-Fikr. (in Persian)
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (Beita), The Language of the Arabs, Volume 2, Beirut, Dar Sader. (in Persian)
- Ibn Qudama, Abdullah bin Ahmad bin Muhammad (1992), Al-Mughni, Volume 10, Second Edition, Cairo, Hijr Publications for Printing and Publishing. (in Persian)
- Jamal, Sulayman ibn Umar (1427 AH), Al-Futuh al-Ilahiyyah with an explanation of Jalalayn's interpretation of the hidden minutes, vol. 6, Beirut, Dar al-Kutb al-Ilmiyah. (in Persian)

- Javadi Amoli, Abdullah (2009), *Woman in the Mirror of Divine Glory and Beauty*, Qom, Israa Publications. (in Persian)
- Javanmard, Karamollah, Zaini Hassanvand, Nahid, Seif, Hadith (1401), *Analyzing the consequences of friendships between male and female students using qualitative and data-based analysis*, No. 47. (in Persian)
- Kashani, Fathullah bin Shukrallah (1381), *Zubadah al-Tafaseer*, Volume 5, Qom, Islamic Encyclopaedia Foundation. (in Persian)
- Khatib, Abdul Karim 01424 Q9, *al-Tafseer al-Qur'an for the Qur'an*, vol. 11, Beirut, Dar al-Fikr al-Arabi. (in Persian)
- Khoei, Seyyed Abulqasem (Bita), *Al-Mabani fi Sharh al-Arwa al-Waghti, Nikah*, Volume 32, Qom, Institute for Revival of Imam Khoei's Works. (in Persian)
- Kilini, Muhammad Ibn Yaqub (1429 AH), *Al-Kafi*, Volume 5, Qom, Dar Al-Hadith for Printing and Publishing. (in Persian)
- Maghrib Judge, Nu'man bin Muhammad Tamimi (1383 AH), *Da'a'im al-Islam*, Volume 2, Egypt, Dar al-Ma'arif. (in Persian)
- Mahāli, Muhammad ibn Ahmad (1416 AH), *Tafsir al-Jalalayn*, vol. 1, Beirut, Al-Nur Printing Institute. (in Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser (1995), *Tafsir Nomne*, Volume 16, Tehran, Dar Al-Kutb Al-Islamiyya. (in Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser (1995), *Tafsir Nomne*, Volume 16, Tehran, Dar Al-Kutb Al-Islamiyya. (in Persian)
- Malekian, Mustafa (1994), *A Study of the Types of Conflict between Science and Religion*, *Misbah Quarterly*, No. 10, 63-84. (in Persian)
- Mazaheri, Hossein (2010), *Treatise on the Explanation of Issues (Rules, Ethics, Beliefs)*, Volume 1, Isfahan, Al-Zahra Cultural and Studies Institute. (in Persian)
- Meybodi, Ahmad bin Muhammad (1371), *Kashf al-Israr and Adda al-Ibrar*, vol. 2 and 1, edition 5, Tehran, Amir Kabir. (in Persian)
- Ministry of Endowments and Islamic Affairs, (1410), *Al-Musawa' al-Faqih*, Volume 19, Second Edition, Kuwait, Zat al-Salasal Publishing House. (in Persian)
- Montazeri, Mohammad (2009), *Treatise on Inquiry*, Volume 13, Qom, Arghavan Danesh. (in Persian)
- Mousavi Khoei, Sayyid Abu al-Qasim (1404), *The Principles of Urwah al-Wathqi, Kitab al-Nikah*, Volume 1, Qom, Dar al-Ilm School Publications. (in Persian)
- Najafi, Sheikh Muhammad Hassan (Bita), *Jewels of the Word in the Explanation of the Laws of Islam*, Volume 29, Beirut, Dar Ihya al-Turat al-Arab. (in Persian)
- Nawawi, Yahya ibn Sharaf (2010), *Al-Majmoo'*, Volume 4, Beirut, Dar al-Fikr. (in Persian)
- Neyshaburi, Muslim bin Hajjaj bin Muslim Qushairi (1424), *Al-Jami' Al-Sahih*, Volume 4, Beirut, Dar Al-Fikr. (in Persian)
- Pani Patti, Sana'ullah (1412 AH), *Al-Tafsir Al-Muzhari*, Vol. 7, Kuwait, Maktaba Al-Rashidiya. (in Persian)
- Qaraati, Mohsen (2004), *Tafsir al-Noor*, Volume 7, Tehran, Cultural Center for Lessons from the Quran. (in Persian)
- Qazwini, Ali ibn Ismail (1424 AH), *Sources of Rulings in the Definition of Halal and Haram*, Vol. 2, Qom, Jama'ah al-Mudrasin fi al-Hawza al-Ilmiyah, Islamic Publishing House. (in Persian)

- Raghib Isfahani, Hussein bin Muhammad (1412), Al-Mufradat Lalfaz Al-Quran, Volume 1, First Edition, Lebanon: Dar Al-Ilm, Syria: Dar Al-Shamiyah. (in Persian)
- Rouhani, Seyyed Muhammad (1420), Al-Masā'il al-Munkhuta, Qom, Sepehr Publishing House. (in Persian)
- Sadr, Muhammad (1430 A.H.), Transcendental Jurisprudence, Volume 2, Qesem al-Thani, Beirut, Dar al-Azwa. (in Persian)
- Saedi, Al-Sheikh Mushtaq (2015), Researches in al-Qa'za al-Fiqhiyyah, Volume 4, Bija, Bina. (in Persian)
- Saghafi Tehrani, Mohammad (2019), Tafsir Ravan Javid, third edition, Tehran: Burhan Publications. (in Persian)
- Same (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Volume 16, Fifth Edition, Qom, Al-Islami Publishing House. (in Persian)
- Seif, Dr. Ali Akbar (1997), Educational Psychology, Tehran, Agah Publications. (in Persian)
- Seifi, Ali Akbar (Bita), The reason for writing Al-Wasilah for Imam Khomeini, Kitab Al-Nikah, Volumes 1 and 2, Qom, Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (RA). (in Persian)
- Shabar, Abdullah (1407 AH), Al-Jawhar Al-Thameen in the Interpretation of the Clear Book, Vol. 5, Kuwait, Maktaba Al-Afin Company. (in Persian)
- Shah Abdul Azimi, Hussein (1984), Tafsir Ithna Ashri, vol. 10, Tehran, Miqat. (in Persian)
- Shams al-Din, Muhammad Mahdi (1995), Issues of Al-Hijrah in the Jurisprudence of Women, Beirut, International Institute for Studies and Publishing. (in Persian)
- Sharafi, Mohammad Reza (1993), Donyayeh Novan, Tehran, Tarbiat Publications. (in Persian)
- Shaygan, Seyed Ali (1996), Civil Law, Qazvin, Taha Publications. (in Persian)
- Sheikhzadeh, Muhammad ibn Mustafa (1419 AH), footnotes to Muhyiddin Sheikhzadeh on the commentary of al-Qadi al-Baydhawi, vol. 6, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyah. (in Persian)
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad (2008), al-Tafseer al-Kabir, volumes 2 and 5, Irbid, Dar al-Kitab al-Thaqafi. (in Persian)
- Tabari, Muhammad bin Jarir bin Yazid (1412), Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, volumes 21 and 5, Beirut, Dar al-Marafa. (in Persian)
- Tabarsi, Fadl ibn Hassan (1413 AH), Summary of Majma' al-Bayan, Volume 3, Issue 2, Qom, Jama'ah al-Mudrasin fi al-Hawza al-Ilmiyah, Qom, Islamic Publishing House. (in Persian)
- Tabatabaei, Mohammad Hossein Hamu (1995), Translation of Majma' al-Bayan's commentary, Volume 19, Qom, Islamic Publishing Office. (in Persian)
- Tousi, Muhammad bin Hassan (B.T.A.), Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, Volume 8, Beirut, Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi. (in Persian)
- Zamakhshari, Mahmoud ibn Omar (1407 AH), Al-Kashf 'an-Haqat awamir al-Tanzil wa 'ayun al-'aqawil fi hawj al-tawil, vol. 1, 3rd edition, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi. (in Persian)

